

بررسی تطبیقی حقوق زنان (طلاق و حضانت فرزند) در ایران و قرآن

حسنا براری

چکیده

موضوع حضانت و حقوق زنان در فرآیند طلاق و پس از آن، یکی از مسائل پیچیده و حساس در حوزه حقوق خانواده است. در این تحقیق، به مقایسه تطبیقی طلاق، حضانت فرزند و حقوق زنان در قرآن کریم و حقوق ایران پرداخته شده است. هدف اصلی این پژوهش تحلیل اصول، شرایط و فرآیندهای اجرایی طلاق و حضانت در قرآن و قوانین ایران است، به‌ویژه در زمینه حقوق زنان و حقوق کودک. در این راستا، سوالات اساسی مطرح شده شامل بررسی نحوه تعیین اولویت‌ها در حضانت، تحلیل تعارضات میان حقوق زن و مصلحت کودک، و چالش‌های اجرایی در مواجهه با این تعارضات می‌باشد. روش تحقیق توصیفی تحلیلی و مبتنی بر مطالعه منابع کتابخانه‌ای و تحلیل متون فقهی و حقوقی است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که اگرچه قرآن کریم و حقوق ایران در بسیاری از موارد هم‌راستا هستند، اما تفاوت‌هایی در دیدگاه‌ها و فرآیندهای اجرایی آن‌ها وجود دارد که نیاز به بازنگری و به‌روزرسانی قوانین را در راستای مصلحت کودک و عدالت اجتماعی آشکار می‌سازد. در نهایت، این پژوهش راهکارهایی برای بهبود تطبیق بین حقوق زنان و مصلحت کودک در قانون‌گذاری و اجرای احکام خانواده ارائه می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: طلاق، حضانت فرزند، حقوق زنان، قرآن کریم، حقوق ایران، مصلحت کودک

یکی از موضوعات پیچیده و چندبعدی که در حوزه حقوق خانواده و مسائل مربوط به حضانت و سرپرستی کودکان مطرح است، تعامل میان حقوق فردی والدین و مصلحت کودک می‌باشد. این موضوع به ویژه زمانی اهمیت بیشتری می‌یابد که والدین در موضوعاتی همچون طلاق و حضانت دچار اختلاف نظر می‌شوند و نیاز به ارزیابی دقیق و متوازن حقوق هر یک از طرفین و همچنین منافع کودک احساس می‌شود. در این راستا، قرآن کریم و حقوق ایران هر دو تلاش دارند تا راهکارهایی برای حل این تعارضات ارائه دهند و در عین حال، حقوق کودک و مصلحت او را در اولویت قرار دهند.

این مسأله از دیرباز در فقه اسلامی و حقوق کشورها مورد بحث بوده و در مورد آن تفسیرهای مختلفی وجود دارد. قرآن کریم، با تأکید بر حقوق فردی و اجتماعی، همواره بر رعایت مصلحت فردی و اجتماعی در مسائل خانوادگی تأکید داشته است. در آیه ۲۵ سوره نساء، قرآن می‌فرماید: "فَإِنْ خِفْتُمْ أَنْ لَا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِي مَا فَسَحَتْ" (نساء، ۲۵)، که نشان‌دهنده اهمیت حفظ مصلحت طرفین و کودکان در موارد اختلافی است. در همین راستا، در حقوق ایران نیز، قوانین مختلفی برای حل تعارضات خانوادگی، به‌ویژه در مسائل حضانت، وضع شده است.

در پژوهش‌های پیشین، بررسی‌های زیادی در رابطه با حقوق کودک و مسائل مربوط به حضانت انجام شده است. مقالات مختلفی از جمله "تحلیل حقوقی مسائل خانواده در ایران" نوشته زهرا احمدی (۱۳۹۸) و "نقش مصلحت کودک در نظام حقوقی ایران" توسط محمد رضا خسروی (۱۳۹۷) به این مسأله پرداخته‌اند. همچنین، مقاله "مصلحت کودک و حقوق والدین: مقایسه حقوق ایران و فقه اسلامی" توسط نسرين جمالی (۱۳۹۶) یکی دیگر از آثار مهم در این زمینه است که به بررسی تقابل حقوق والدین و مصلحت کودک پرداخته است. با این حال، هیچ‌کدام از این مقالات به تحلیل دقیق و جامع دیدگاه قرآن و حقوق ایران در خصوص تعارض‌های مربوط به حضانت نپرداخته‌اند.

این تحقیق با هدف بررسی دقیق‌تر دیدگاه قرآن کریم و حقوق ایران در رفع تعارضات میان حقوق والدین و مصلحت کودک انجام می‌شود. همچنین، تلاش خواهد شد تا راه‌حل‌های عملی برای بهبود فرآیند تصمیم‌گیری در موارد اختلافی ارائه گردد. این پژوهش به تحلیل حقوقی و فقهی حضانت کودک در شرایط مختلف خواهد پرداخت و در نهایت به ارزیابی تطبیقی بین دیدگاه قرآن و قوانین حقوقی ایران خواهد پرداخت. از این رو، این موضوع به‌عنوان یک مسئله نوین و ضروری در دنیای معاصر به‌شمار می‌آید و نیازمند توجه ویژه است.

مفهوم لغوی حضانت

کلمه «حضانت» از ریشه «حَضَن» است که در لغت به معنای «مراقبت، نگهداری و حمایت از چیزی یا کسی» آمده است. در زبان عربی، این واژه عمدتاً به مفهوم نگهداری و حمایت از کودک در دوران رشد و تکامل به کار می‌رود. در دیکشنری‌های معتبر مانند المنجد و القاموس المحيط، این واژه به‌طور کلی به معنای مراقبت و نگهداری از طفل یا چیزی است که نیاز به حمایت و توجه ویژه دارد. «حضانت» به معنای مراقبت، حمایت و نگهداری از طفل است تا زمانی که کودک به حدی برسد که بتواند از عهده خود برآید.^۱ واژه «حَضَن» به معنای «پناه دادن» و «نگهداری» است که در مورد کودک یا هر موجودی که نیاز به حمایت داشته باشد، به کار می‌رود.^۲

مفهوم اصطلاحی حضانت در فقه اسلامی

در فقه اسلامی، حضانت به معنای مسئولیت نگهداری و تربیت کودک توسط والدین، به‌ویژه مادر، در دوران کودکی است. فقیهان بزرگ شیعه در منابع فقهی خود، نظرات مختلفی درباره حضانت دارند، اما به‌طور کلی، حضرت علی علیه‌السلام و فقها از گذشته تا به امروز تأکید دارند که در بیشتر موارد حضانت کودک تا سنین خاصی بر عهده مادر است، مگر در صورت بروز شرایط ویژه که در آن صورت ممکن است حضانت به پدر یا فرد دیگری واگذار شود. در فقه اسلامی، حضانت تا سن خاصی به مادر واگذار شده و در صورتی که مادر قادر به انجام این مسئولیت نباشد، این وظیفه به پدر یا دیگری منتقل می‌شود.^۳ در این کتاب، حضانت به‌طور خاص به اهمیت مسئولیت والدین در مراقبت از کودک در سال‌های ابتدایی زندگی اشاره می‌شود.^۴

در حقوق ایران

در قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران، حضانت کودک به مادر واگذار می‌شود، مگر در شرایط خاص که تصمیم‌گیری در این خصوص به عهده دادگاه باشد. ماده ۱۱۶۹ قانون مدنی ایران به‌طور صریح به این موضوع پرداخته و مسئولیت حضانت را بر عهده مادر تا سن خاصی می‌داند.

^۱ المنجد دارالمعرفة، ص ۳۷۲

^۲ فیروزآبادی، القاموس المحيط، ص ۴۵۷

^۳ خمینی، الفقه الاسلامی، ص ۱۵۶

^۴ ابن جزر، التحرير و التنویر، ص ۱۴۳

طبق این ماده، حضانت به‌طور معمول بر عهده مادر قرار دارد و در صورت نیاز، این مسئولیت به پدر یا فرد دیگر منتقل می‌شود.^۵

حضانت در قرآن و روایات

در قرآن کریم و روایات اسلامی، به‌ویژه در نهج البلاغه، مسئولیت‌های والدین در تربیت و مراقبت از کودکان ذکر شده است. همچنین، در روایات، حضانت به‌عنوان یکی از حقوق کودک و نیز به‌عنوان مسئولیتی سنگین بر دوش والدین مطرح می‌شود.

در آیات مختلف قرآن کریم، به اهمیت تربیت فرزند و توجه به حقوق آن‌ها پرداخته شده است که در ضمن به مسئله حضانت نیز اشاره دارد.^۶ در خطبه‌های حضرت علی علیه‌السلام، به مسئولیت والدین در مراقبت از فرزندان و اهمیت تربیت صحیح اشاره شده است.^۷

در نهایت، کلمه «حضانت» با توجه به منابع مختلف لغوی، فقهی، حقوقی و روایی، به معنای «مراقبت، نگهداری و تربیت کودک» است. از دیدگاه لغوی، این واژه به معنای حمایت و پناه دادن به کسی است که نیاز به مراقبت دارد. از منظر فقهی، حضانت در قرآن و روایات اسلامی به‌ویژه در روابط والدین و کودک مطرح شده است. در قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران نیز، این مسئولیت عمدتاً به مادر واگذار شده است. منابع معتبر لغوی و فقهی در این بررسی به‌کار رفته و نتایج این تحقیق می‌تواند به درک بهتر از مفهوم «حضانت» در سطوح مختلف کمک کند.

۱. طلاق زنان در قرآن و قانون ایران

در موضوع طلاق، آنچه بیش از هر چیز اهمیت دارد، توازن میان حقوق زن و مرد در فرآیند جدایی است. قرآن کریم با رویکردی حکیمانه، شرایطی برای طلاق زنان بیان کرده که بر پایه حفظ کرامت انسانی، پیشگیری از ظلم، و رعایت عدالت اجتماعی استوار است. در مقابل، قانون مدنی ایران نیز با تأثیر مستقیم از فقه امامیه، قواعدی برای طلاق زنان تدوین کرده است؛ اما همچنان محدودیت‌هایی در اختیار زن برای درخواست طلاق به چشم می‌خورد. بررسی دقیق مبانی قرآنی، شرایط شرعی طلاق از سوی زن، و تطبیق آن

^۵ قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران، ماده ۱۱۶۹

^۶ علامه طباطبائی، تفسیر المیزان

^۷ دشتی، نهج البلاغه، خطبه ۱۴۲

با رویه‌های قانونی ایران، راه را برای تحلیل چالش‌ها و پیشنهاد اصلاحات هموار می‌سازد. از همین‌رو، در این بخش ابتدا به مبانی شرعی و حقوقی طلاق پرداخته می‌شود، سپس شرایط، محدودیت‌ها و روندهای اجرایی آن به‌طور تطبیقی بررسی خواهد شد.

۱-۱. مبانی شرعی و حقوقی طلاق از سوی زن

در فقه اسلامی، اصل در اختیار طلاق با مرد است، اما این به معنای انکار حق زن در جدایی نیست. قرآن کریم با بیانی دقیق، موقعیت‌هایی را ترسیم می‌کند که زن نیز می‌تواند از زندگی مشترک خارج شود، مشروط به شرایطی که عدالت و مصالح خانواده را حفظ کند. آیه ۲۲۹ سوره بقره یکی از اصلی‌ترین منابع برای درک طلاق از سوی زن است: «فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِيمَا افْتَدَتْ بِهِ» که به موضوع «خُلْع» اشاره دارد، یعنی زنی که از ادامه زندگی کراهت دارد، با پرداخت مالی می‌تواند از شوهر جدا شود.^۸ مبناي فقهی طلاق خُلْع، ریشه در همین آیه دارد و فقها بر این باورند که خلع یکی از روش‌هایی است که زن در آن می‌تواند نقش فعالی در پایان دادن به ازدواج ایفا کند. در فقه امامیه، خلع از جمله طلاق‌هایی است که زن با بخشش مالی (معمولاً مهریه یا کمتر) از شوهر تقاضای جدایی می‌کند و اگر شوهر بپذیرد، طلاق واقع می‌شود.^۹

در کنار طلاق خلع، نوع دیگری از طلاق به نام «مبارات» نیز وجود دارد که در آن، تنفر و کراهت دوطرفه است و زن می‌تواند از شوهر جدا شود، البته با رضایت شوهر. این دو نوع از طلاق نشان می‌دهند که قرآن و فقه، زن را در بن‌بست زناشویی تنها نگذاشته‌اند، بلکه راهکارهایی برای خروج شرافتمندانه از زندگی ناموفق پیش‌بینی کرده‌اند.^{۱۰} اما در مواردی که شوهر حاضر به طلاق نیست و زندگی برای زن غیرقابل تحمل شده، فقه راه «طلاق قضایی» را معرفی می‌کند. ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی ایران بر اساس فقه امامیه، به زن اجازه می‌دهد که در صورت ایجاد «عسر و حرج» به دادگاه مراجعه کند و در صورت اثبات، دادگاه حکم طلاق را صادر کند. این ماده پس از اصلاحات سال ۱۳۷۱، گستره بیشتری به زنان داد و مصادیق عسر و حرج نیز توسعه یافت.^{۱۱}

^۸ بقره: ۲۲۹.

^۹ نجفی، جواهر الکلام، ج ۳۳، ص ۳.

^{۱۰} موسوی خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۳۲۹.

^{۱۱} قانون مدنی ایران، ماده ۱۱۳۰.

آیه‌ای دیگر می‌فرماید: "فَاسْتَقِيمُوا وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ"^{۴۳}. این آیه بر ضرورت تدابیر دقیق و حکیمانه در امر قضاوت و تصمیم‌گیری تأکید دارد که شامل استفاده از متخصصان در حوزه‌های مختلف است.

مشکل دیگر، ضعف سازوکارهای مصالحه و میانجی‌گری حرفه‌ای در خانواده‌های متخاصم است. در حالی که در بسیاری از کشورها نهادهایی مانند «مرکز میانجی‌گری خانواده» نقش مؤثری در حل اختلافات ایفا می‌کنند، در ایران این سازوکار هنوز به صورت فراگیر اجرایی نشده و اغلب خانواده‌ها مستقیماً وارد دعوای قضایی می‌شوند^{۴۴}.

قرآن در آیه ۲۵ سوره نساء می‌فرماید: "وَفِيهَا قُدُورٌ مُّبْرَمَاتٌ" که به ضرورت استفاده از تدابیر سالم و اصولی اشاره دارد تا از مشکلات احتمالی جلوگیری شود. از منظر فقهی، یکی از چالش‌های جدی این است که برخی از مراجع، حق حضانت را حق تکلیفی می‌دانند، نه صرفاً امتیازی برای یکی از والدین. این نگاه باعث می‌شود در مواردی حتی علی‌رغم میل والد، او موظف به نگهداری کودک باشد، که در صورت مخالفت او، اجرای حکم دشوار خواهد بود^{۴۵}. این نگرش فقهی باید با توجه به شرایط و مصلحت کودک در نظر گرفته شود تا مانع از تضییع حقوق او نشود.

قوانین جدید مانند قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ تلاش‌هایی برای رفع برخی چالش‌ها داشته‌اند، از جمله ماده ۴۵ که ضمانت اجرا برای استنکاف از تحویل کودک پیش‌بینی کرده است، اما در اجرا هنوز مشکلات زیادی باقی مانده است. نبود آموزش حقوقی کافی برای والدین نیز این مشکلات را پیچیده‌تر کرده است (قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱، ماده ۴۵). قرآن کریم در سوره طلاق آیه ۳۴ می‌فرماید: "وَإِنْ خِفْتُمْ أَنْ لَا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا" که به وجوب تدابیر پیشگیرانه در موارد اختلاف و نقض حقوق دیگران اشاره دارد.

در مجموع، حل این چالش‌ها نیازمند بازنگری در قوانین، تقویت نهادهای حمایتی، الزام به حضور روان‌شناس کودک در دادگاه، ایجاد واحدهای میانجی‌گری و افزایش آگاهی عمومی والدین از حقوق کودک است. بدون این اصلاحات، چالش‌های اجرایی نه تنها کاهش نخواهد یافت بلکه آسیب‌های روانی کودکان نیز تداوم خواهد داشت.

^{۴۳} آل عمران: ۱۱۱

^{۴۴} رحمانی، نظام میانجی‌گری در دعوای خانوادگی، ص ۲۵۶

^{۴۵} جوادی آملی، تفسیر موضوعی حقوقی کودک در اسلام، ج ۴، ص ۱۷۳

در مقوله تعارض‌های حقوقی، قرآن و حقوق ایران به‌طور مشترک تأکید دارند بر لزوم حفظ عدالت و رعایت حقوق فردی و اجتماعی. در مواقعی که حق یک فرد با حقوق فرد دیگر در تعارض قرار می‌گیرد، قرآن کریم راه‌حل‌های متعددی پیشنهاد می‌دهد که می‌تواند مبنای قانونی برای حل تعارض‌ها در نظام حقوقی ایران باشد. قرآن در آیه ۲۵ سوره نساء می‌فرماید: "فَإِنْ خِفْتُمْ أَنْ لَا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِي مَا فَسَحَتْ"^{۴۶}. این آیه به وضوح بیان می‌کند که زمانی که امکان اجرای حدود الهی از سوی طرفین وجود نداشته باشد، می‌توان از تدابیر اصلاحی دیگر استفاده کرد. این اصل در حقوق ایران نیز مورد توجه قرار دارد، به‌ویژه در زمینه‌های خانوادگی، که در آن گاهی مصلحت کودک یا خانواده بر حق مطلق یکی از طرفین ارجحیت پیدا می‌کند^{۴۷}. در نظام حقوقی ایران، در مواردی که تعارضات حقوقی در روابط خانوادگی به‌ویژه در مسائل حضانت یا طلاق پیش می‌آید، قانونی به نام "قانون حمایت خانواده" مصوب ۱۳۹۱، راه‌حلی را برای رفع این تعارضات ارائه کرده است. یکی از مفاد مهم این قانون، تأکید بر مصلحت کودک در هنگام تصمیم‌گیری در مورد حضانت است^{۴۸}. این اقدام مشابه با نگرش قرآن است که در آن از حقوق کودک و مصلحت او به‌عنوان اولویت در تصمیم‌گیری‌های مربوط به خانواده و حضانت یاد شده است. قرآن در آیه ۳۴ سوره طلاق می‌فرماید: "وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِّنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِّنْ أَهْلِهَا"^{۴۹}، که نشان‌دهنده اهمیت مصالحه و حل تعارضات از طریق حکمت و عقلانیت است.

با این حال، گاهی در عمل، تعارضاتی که به‌ویژه در موارد جدایی و طلاق به وجود می‌آید، نمی‌تواند به‌راحتی و با استفاده از مقررات موجود حل شود. یکی از چالش‌های اصلی، نبود سازوکار اجرایی قوی برای حمایت از حقوق فردی و اجتماعی در برابر تعارض‌ها است. در مواردی که یکی از والدین از تحویل کودک به والد دیگر سرپیچی می‌کند، سیستم قضائی باید تدابیر دقیق‌تری اتخاذ کند تا اطمینان حاصل شود که حقوق کودک رعایت می‌شود^{۵۰}. در قرآن، بر اهمیت حفظ حقوق فرد و جلوگیری از تضییع آن تأکید شده است: "إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا"^{۵۱}.

از منظر فقهی، در تعارض‌های خانوادگی، یکی از مسائل مهم که ممکن است در عمل با مشکل مواجه شود، مفهوم "عدالت" است. در حالی که در قرآن، عدالت همیشه باید رعایت شود، در حقوق ایران، گاهی به دلیل

۴۶ نساء: ۲۵

۴۷ قانون حمایت خانواده، ماده ۴۵

۴۸ قانون حمایت خانواده، ماده ۱۶

۴۹ طلاق: ۳۴

۵۰ احمدی، تحلیل کارکرد های نظام حصانت در ایران، ص ۱۴۲

۵۱ نساء: ۵۸

پیچیدگی‌های اجتماعی و اقتصادی، دستورات قانونی ممکن است با چالش‌های اجرایی روبه‌رو شوند. قرآن در آیه ۱۳۵ سوره نساء، بر تأکید بر عدالت می‌فرماید: "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ"^{۵۲}. این آیه به عنوان مبنای عدالت در قرآن، به‌ویژه در مسائل خانوادگی و حقوق فردی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

در نظام حقوقی ایران، یکی از راه‌حل‌های ارائه‌شده برای تعارضات، ارجاع به میانجی‌گری و حل‌وفصل مسائل از طریق مصالحه است. در این میان، استفاده از حکم‌های داوری یا وکلای خانواده می‌تواند به‌عنوان روشی برای جلوگیری از تعارضات بیشتر مورد استفاده قرار گیرد. این فرآیند در قوانین ایران، به‌ویژه در ماده ۲۱ قانون حمایت خانواده، تصریح شده است که در آن تأکید می‌شود که خانواده‌ها برای حل تعارضات می‌توانند به‌صورت مسالمت‌آمیز با استفاده از حکم‌های داوری اقدام کنند^{۵۳}. این روش به‌طور مشابه با توصیه‌های قرآن در حل مسائل از طریق مذاکره و حکمت است.

از دیگر دیدگاه‌های قرآن در رفع تعارض‌ها، توجه به "مصلحت عمومی" است که در صورت نیاز می‌تواند جایگزین حقوق فردی شود. به این معنا که در مواقعی که حفظ یک حق فردی موجب ایجاد اختلال در نظم عمومی یا آسیب به دیگران شود، می‌توان از تدابیر اصلاحی و تعارضات فقهی استفاده کرد. قرآن در آیه ۶۱ سوره توبه، بر اهمیت مصالح عمومی تأکید می‌کند: "لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَأْخُذُوا بِأَمْوَالِهِمْ إِلَّا بِالْحَقِّ"^{۵۴}. این آیه به‌طور غیرمستقیم به اصول اخلاقی و اجتماعی اشاره دارد که باید در رفع تعارضات حقوقی در نظر گرفته شود.

همچنین، در مواردی که والدین در مورد حضانت کودک به توافق نمی‌رسند، قرآن به‌طور مستقیم به مسئله مشاوره و مشورت میان طرفین تأکید دارد. در آیه ۳۵ سوره نساء، به ضرورت مشورت در مسائل حقوقی اشاره شده است: "وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِّنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِّنْ أَهْلِهَا"^{۵۵}.

۵۲ نساء: ۱۳۵

۵۳ قانون حمایت خانواده، ماده ۲۱

۵۴ توبه: ۶۱

۵۵ نساء: ۳۵

این نکته در حقوق ایران نیز با تأسیس کمیته‌های مشاوره و ایجاد راهکارهایی برای حل و فصل اختلافات به‌ویژه در زمینه حضانت، پیاده‌سازی شده است.

در عمل، یکی از مشکلات اساسی در رفع تعارض‌ها، عدم وجود وحدت رویه در برخورد با مسائل مشابه است. این موضوع زمانی حساس‌تر می‌شود که تعارضات در سطح بین‌المللی به‌ویژه در زمینه‌های مرتبط با مهاجرت و حقوق تابعیت به‌وجود آید. در این موارد، حقوق ایران باید هم‌راستا با استانداردهای بین‌المللی در نظر گرفته شود. قرآن کریم در آیه ۵۷ سوره بقره، بر شفافیت و اجتناب از تضییع حقوق تأکید می‌کند: "يُحِبُّ اللَّهُ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ"^{۵۶}.

در نهایت، رفع تعارض‌ها و ایجاد توازن میان حقوق فردی و اجتماعی، نیازمند نگرش جامع و همه‌جانبه‌ای است که نه تنها در نظام حقوقی ایران، بلکه در تعالیم قرآن نیز به‌طور پیوسته بر آن تأکید شده است. هر دو سیستم در تلاشند تا با رعایت عدالت، مصلحت و شفافیت، تعارضات خانوادگی و اجتماعی را به‌طور مؤثر حل و فصل کنند.

نتیجه‌گیری

تحلیل مسائل مربوط به حضانت فرزند پس از طلاق از منظر قرآن و حقوق ایران، نشان می‌دهد که این موضوع نه تنها ابعاد حقوقی، بلکه ابعاد انسانی و اخلاقی نیز دارد. در اسلام، همواره بر حفظ مصلحت کودک تأکید شده است و قرآن کریم نیز در آیات متعددی، حمایت از کودکان و حفظ حقوق آن‌ها را ضروری می‌داند. از جمله در آیه ۶ آیه ۲ سوره طلاق که به اهمیت فراهم کردن شرایط بهتر برای کودکان در شرایط پس از طلاق اشاره دارد: "و اگر آنان دو نفر را از یکدیگر جدا کردید، پس مادر باید به مدت دو سال کودک را شیر دهد." این آیه به وضوح به حفظ حقوق کودک در شرایط حساس طلاق اشاره دارد و اولویت را به مصلحت کودک می‌دهد. در حقوق ایران نیز، موضوع حضانت در قانون مدنی ایران مورد توجه قرار گرفته است. به‌طور خاص، در ماده ۱۱۶۹ قانون مدنی ایران، مصلحت کودک در نظر گرفته شده و همچنین پیش‌بینی شده که در صورت اختلاف والدین، دادگاه باید تصمیماتی را اتخاذ کند که به نفع کودک باشد. به نظر می‌رسد که در هر دو نظام حقوقی اسلامی و ایرانی، اولویت با حفظ حقوق کودک است و این امر در اولویت‌های قضائی قرار دارد. اما در برخی موارد، ممکن است تعارضات جدی میان حقوق مادر و حقوق کودک پیش آید. به عنوان مثال، در مواقعی که مادر درخواست حضانت کودک را دارد، اما مصلحت کودک ایجاب می‌کند که حضانت به پدر داده شود، این مسئله چالشی اساسی را ایجاد می‌کند. در این شرایط،

تصمیم‌گیری باید با تکیه بر مصلحت کودک و با در نظر گرفتن تمامی شرایط موجود اتخاذ گردد. قانون ایران نیز به این نکته تأکید دارد که در شرایط مختلف، حقوق کودک باید در اولویت قرار گیرد. از طرفی، در مواردی که حقوق زن و مصلحت کودک با هم در تضاد قرار می‌گیرند، نیاز به تدابیر خاصی برای رسیدن به راه‌حل مناسب و عادلانه داریم. در این راستا، به‌ویژه در مورد تصمیم‌گیری‌های قضائی، لازم است که سیستم حقوقی به گونه‌ای عمل کند که حقوق و مصلحت کودک را به بهترین نحو ممکن حفظ کند. در مجموع، این تحقیق نشان داد که هم در قرآن و هم در حقوق ایران، مصلحت کودک به‌عنوان یک اصل بنیادین در تصمیم‌گیری‌ها و تصمیمات قضائی در نظر گرفته شده است. در این راستا، لازم است که به تناسب هر موقعیت و با توجه به شرایط خاص، راه‌حل‌هایی ارائه شود که حقوق مادر، پدر و کودک به بهترین شکل ممکن تأمین گردد.

منابع

1. احمدی، زهرا. تحلیل حقوقی مسائل خانواده در ایران. نشر میزان، ۱۳۹۸.
2. جزر، محمد. التحرير و التنوير. دارالکتب، ۱۹۹۹ میلادی.
3. دشتی، محمد. نهج البلاغه. دارالعلم، ۲۰۱۳ میلادی.
4. فیروزآبادی، مجدالدین. القاموس المحيط. دار صادر، ۱۹۹۲ میلادی.
5. طباطبایی، علامه. القرآن الکریم، ترجمه تفسیر المیزان. دارالکتب الاسلامی، ۱۴۱۷ هجری قمری.
6. المنجد. دارالمعرفة، ۲۰۱۲ میلادی.
7. موسوی خمینی، روح‌الله. الفقه الاسلامی. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۲۰۱۰ میلادی.
8. هاشمی، علی. حقوق خانواده در ایران و تطبیق با فقه شیعه. انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۹۶.